

کسی هم خبردار نمی‌شود چه شده، رسانه هم نمی‌تواند کاری کند؛ اما اگر شما یک ابزار رسانه داشته باشید می‌توانید علیه ذی‌نفع منفی کاری کنید.

**نماینده اندیشکده امیرکبیر:** بگذارید پله پله جلو برویم. وقتی شفافیت آرا هست راحت‌تر می‌شود با نماینده زد و بند کرد یا وقتی شفافیت نباشد؟ چگونه می‌خواهید اثبات کنید که این فساد و زد و بند وجود دارد. قابل اثبات نیست.

**نماینده اندیشکده شفافیت:** در اقتصاد رفتاری یک اتفاقی می‌افتد؛ منطق تثبیت قوا این است که می‌گوید سه قدرت ایجاد می‌کنم که این سه قدرت افسار همدیگر را می‌کشند؛ اقتصاد



رفتاری یعنی این که شما منافع افراد را در مقابل منافع افراد محدود می‌کنید. در فضای محرمانگی اتفاقاً این منطق به هم می‌خورد و بازی به هم می‌خورد؛ در فضایی که شفاف است باشد ذی‌نفع الف وقتی زد و بند کرد، من هم که کارشناس مبارزه با فساد هستم، شما و دوستان شما هم این فرصت را دارند که این زد و بند را کشف کنند. سایر مکانیسم‌های شفافیت، مکمل شفافیت آرا می‌شوند اما شفافیت آرا یک راه است، به علاوه سایر فوایدش. سایر مکانیسم‌های شفافیت چیست؟ مثل شفافیت توصیه‌نامه‌ها، مثل کسانی که وارد مجلس شدند.

**نماینده اندیشکده امیرکبیر:** تحلیلی که من

دارم این است که در مواردی که مصوبات وارد فضای عمومی جامعه نمی‌شود، زد و بند تا قبل از شفافیت آرا یک سختی‌اش داشته است اما بعد از شفافیت آرا سختی‌اش کمتر می‌شود؛ الان چون دارم رأی‌ها را روی تابلو می‌بینم، خرجش یک پیامک است، بدون توضیح می‌گویم آقای فلانی رأی این طرفی این امتیاز را دارد، رأی آن طرفی تان هم آن امتیاز را دارد؛ یعنی مذاکره با آدم‌ها خیلی راحت‌تر می‌شود، منتها اینجا ما اثر مثبت شفافیت آرا را نداریم، چون اصلاً در دستور کار افکار عمومی نمی‌آید، اصلاً مطرح نمی‌شود؛ پس اتفاقی که می‌افتد این است که چون به سرعت دارد قانون تصویب می‌شود. مثلاً وقتی می‌گوییم

**۹۹ می‌گویید در حال حاضر خرید و فروش رای در بک‌باکس اتفاق می‌افتد و با شفافیت آرا خرید و فروش رای راحت‌تر می‌شود. نه این‌طور نیست. در آن طرف ماجرا که نماینده رأی داده، صد رسانه و صد ذی‌نفع دیگر هم هستند؛ اگر نماینده به سود ذی‌نفع الف عمل کرده، ذی‌نفع ب اعتراض می‌کند و علیه او اقدام خواهد کرد. همان‌طور که ذی‌نفع منفی داریم، ذی‌نفع مثبت هم داریم. الان که رای شفاف نیست دارد آنجا خرید و فروش رای صورت می‌گیرد، به ضرر مردم است، هیچ‌کسی هم خبردار نمی‌شود چه شده، رسانه هم نمی‌تواند کاری کند؛ اما اگر شما یک ابزار رسانه داشته باشید می‌توانید علیه ذی‌نفع منفی کاری کنید. ۶۶**

قانون بودجه پارسال، سه هزار پیشنهاد روی آن رفته بود؛ سه هزار پیشنهاد روی یک قانون! بعد تک تک این موارد را نماینده‌ها باید رأی دهند، البته این موارد فقط تازه پیشنهاداتی بوده که خود نماینده‌ها دادند. اتفاقاً در این بخش‌ها اثر رسانه‌ها و مردم کاملاً خالی است، هیچ اثری ندارد.

در طرف مقابل که برای عموم مردم اهمیت داشته باشد بسیاری از طرح‌ها هستند که از آن‌ها به عنوان داروهای امروز کشور نام برده می‌شود ولی هرکدامشان را در جامعه مطرح کنی، با واکنش‌های شدید مواجه خواهی شد. حتی جرأت مطرح کردن آن‌ها را به صورت غیرشفاف

ندارند چه برسد به آن که به صورت شفاف مطرح و رأی‌گیری شوند.

**نماینده اندیشکده شفافیت:** شما می‌گویید ما با یک بچه شیرخوار طرف هستیم. اگر بنده یکی از انقلابی‌های جمهوری اسلامی بودم، فحش برای خودم تلقی می‌کردم که در نظام دینی شما بعد از ۴۰ سال به مردم ایران دارید می‌گویید بچه شیرخوار. بعدش هم هیچ تئوری و نظر و راه‌کاری که این بچه شیرخوار را بچه چهار ساله بکنید، ندارید. هیچ راه‌کاری ندارید. اگر همین‌گونه می‌خواهید عمل کنید منتظر روزی نباشید که بخواهید مردم شیرخوار را چهار ساله و مردم ده ساله بکنید آن روز نمی‌آید بلکه آن روز، همین روز است. یا امروز همین کار را می‌کنید یا شیرخوار نگهش می‌دارید. من که موضع را مشخص کردم. گفتم تا زنجیره شفافیت اتفاق نیفتد، شفافیت اثر نمی‌گذارد؛ ولی شما می‌گویید با بچه‌ای روبه‌رو هستیم.

مسئله دوم شما می‌گویید یکسری مسائلی هستند که برای عموم اهمیتی ندارند در رسانه مطرح نمی‌شوند، زد و بند و خرید و فروش این‌ها بالاتر می‌رود. من حرفم چیست؟ می‌گویم شما این کار را با مردم کردید که ۸۰ درصد مسایل وارد فضای عمومی جامعه نمی‌شود. یک کاری کنید که ۱۰ سال دیگر اینجا نباشید. اگر من باشم می‌گویم به خاطر نوع مدیریت در جمهوری اسلامی ایران است. به این نوع مدیریت در نظام‌های سیاسی می‌گویند رابطه پدرسالار. یک حکومتی که به نفت متکی بوده، هیچ کاری با مردم نداشته ولی الان که نفت جمهوری اسلامی قطع شده و مجبور است که سراغ مردم بیاید و مالیات بگیرد، چه اتفاقی می‌افتد؟ وقتی دولت می‌گویند مالیات بده، مردم می‌گویند چه کاری داری می‌کنی؟ مالیات بدهیم تا خاوری‌ها آن را ببرند؟ یا مثلاً الان بورس چیست؟ الان اقتصاد یک کشور معنای دیگری پیدا کرده است. حال که مردمی کردن اقتصاد اتفاق افتاده، یعنی توان ذهنی من بزرگ شده، مثلاً تا به حال سهام عدالت مرا برده‌اند هر جا دلشان خواسته سرمایه‌گذاری کرده‌اند حالا بعد از سه سال صد هزار تومان به حساب من ریخته می‌گوید سود سهام عدالت تو! حالا می‌بینم سهام عدالت من کدام شرکت‌هاست، عملکردشان چطور است، برویم